

تأثیر امام محمد باقر علیه السلام بر حدیث شیعه - نوروز امینی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال شانزدهم، شماره ۶۱ «ویژه قرآن و حدیث: پیوند ناگستینی»، زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۴۳-۱۶۹

تأثیر امام محمد باقر علیه السلام بر حدیث شیعه

* نوروز امینی

چکیده: حدیث، از دانش‌های اختصاصی اسلام است که توسط مسلمانان ابداع شد و سامان یافت. نقش ائمه شیعه، به ویژه صادقین، در بالندگی آن، بسیار مهم است. این نوشتار، تلاش‌های امام باقر را در این حوزه بررسی کرده است که با فعالیت‌های فرهنگی ایشان، تحولی عظیم در فرهنگ شیعه به وجود آمد؛ شاگردان ائمه و احادیث منتقل از ایشان فزوونی و فرهنگ پرسشگری و مراجعه به اهل بیت رواج یافت و اصحاب ائمه از نظر علمی و فرهنگی ارتقا یافتند. اقدامات میدانی امام باقر در حوزه حدیث چشمگیر و زمینه‌ساز جهش عظیم حدیث در دوران امام صادق شد؛ اقداماتی نظیر نشر حدیث پیامبر، عرضه حدیث، ترغیب به حدیث‌پژوهی، تربیت محدثان زبده‌ای چون گروه اول اصحاب اجمعاء، تأثیرگذاری بر محدثان اهل سنت و معرفی غالیان از مهم‌ترین آن‌هاست. ایشان با تبیین مسائلی چون حجیت کلام اهل بیت، لزوم دقت در سمع، پرهیز از اعتماد به روات ضعیف و لزوم مراجعه به ثقات، ابداع مشیخه‌نویسی، تبیین اصول نقد متن حدیث و پرهیز از انکار شتاب‌زده حدیث، زمینه مساعدی را برای برگای نهادن میراث حدیثی بی‌نظیر در حوزه‌های تفسیر، عقاید، فقه، اصول، اخلاق و سیره فراهم ساختند.

کلیدواژه‌ها: امام باقر؛ حدیث شیعه؛ علوم حدیث؛ قواعد حدیث؛ راویان حدیث.

دانشمندان علم حدیث، تاریخ حدیث شیعه را، در دوران حضور مucchoman علیهم السلام، به سه دوره عصر تولد (از دوران امام علی تا پایان امامت امام سجاد علیهم السلام به سال ۹۴-۵۹)، دوره شکوفایی، انتشار و تدوین اصول اولیه (عصر صادقین علیهم السلام از سال ۹۴ تا ۱۴۸ ه-) و دوره تبویب و تدوین جوامع اولیه (از آغاز امامت امام کاظم علیهم السلام تا پایان غیبت صغیری به سال ۲۶۰ ه-) تقسیم می‌کنند. (ر.ک: معارف، ۱۳۸۱: ص ۲۰۲) زندگی و امامت امام باقر علیهم السلام سرآغاز عصری بود که حدیث شیعه در آن شکوفا و معارف آن منتشر شد. بی‌شک شخصیت عظیم علمی امام باقر علیهم السلام، تأثیری بسزا در این شکوفایی داشت. لقب باقر، (شکافنده) (قمعی، ۱۳۸۸: ص ۷۶۷) به جایگاه خاص ایشان در نشر معارف الهی و روشن ساختن زوایای علوم آن اشاره دارد. در دوران امامت ایشان، هسته اولیه دانشمندان محدث و فقیه شیعی شکل گرفت. درباره ایشان گفته‌اند: «آن اندازه دانش که از امام باقر علیهم السلام، در زمینه تفسیر، کلام، فقه و احکام حلال و حرام بر جای مانده، از هیچ یک از فرزندان حسین علیهم السلام بر جای نمانده است.» (ابن شهرآشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۲۷) با این حال نقش ایشان در پی‌ریزی دانش‌های حدیثی و تبیین قواعد و اصول آن، امری است که متأسفانه تاکنون مغفول مانده است. همه آنچه که تاکنون درباره نقش امام باقر در توسعه و ترویج دانش‌های حدیثی نگاشته شده است، در حد صفحاتی چند در لابای کتاب‌های تاریخ حدیث است که طبعاً نمی‌تواند آینه تمام‌نمای کوشش‌های ایشان باشد. از میان انبوه کتاب‌ها و مقالاتی که به بررسی ابعاد علمی شخصیت آن حضرت پرداخته‌اند، تنها مقاله‌ای با عنوان «امام باقر و حفظ و صیانت حدیث» درخور توجه و به بحث ما مربوط است. (غروی نائینی، ۱۳۸۵) مقاله یادشده با وجود نقاط قوت بسیاری که دارد و از نخستین تلاش‌ها در راستای تبیین نقش امام باقر در صیانت از حدیث به شمار

می‌رود، به لحاظ اینکه تنها به موضوع جایگاه ایشان در صیانت از حدیث پرداخته و از مقوله نقش آن جناب در پایه‌ریزی دانش‌های حدیثی و قواعد علم‌الحدیث غفلت نموده است، دارای کاستی‌هایی است. به هر روی مقاله حاضر در صدد رفع این کاستی برآمده و در تلاش است تا کوشش‌های آن حضرت را در حوزهٔ پیریزی قواعد علم‌الحدیثی و آموزش آن به محدثان و نیز دریافت و تبلیغ حدیث بررسی نماید.

۱۴۵

۱. شاخصه‌های فرهنگی، اجتماعی و علمی دوران امام باقر علیهم السلام

با مقایسه دوران امام باقر علیهم السلام با دوران‌های پیش و نیز دوران‌های پس از امامت فرزندش امام صادق علیهم السلام، می‌بینیم که این دوره دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌های ممتاز و منحصر به فردی است به شرح زیر است:

۱-۱. کثرت شاگردان ایشان در مقایسه با ائمهٔ پیشین؛ به گونه‌ای که طوسی در رجال خود، تنها نام ۴۶۸ نفر را در ردیف اصحاب محدث امام باقر علیهم السلام یاد کرده است. (طوسی، ۱۴۱۵: ص ۱۲۳-۱۵۱)

۱-۲. کثرت احادیث منقول از این امام؛ به گونه‌ای که روایات منقول از ایشان در مقایسه با سایر امامان پیشین و نیز امامان پسین، به غیر از امام صادق علیهم السلام، بسیار در خور توجه است؛ مسنند ایشان حدود شش جلد است و تنها یکی از یاران ایشان به نام محمد بن مسلم، به گفتهٔ خود، سی‌هزار مسئله از ایشان سؤال کرده است.
(ابن شهرآشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۲۷) دربارهٔ جابر بن یزید جعفی هم گفته‌اند که او هفتادهزار حدیث از امام باقر علیهم السلام دریافت داشته است. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۰، ص ۱۵۱)

۱-۳. کثرت کتب و اصول تألیف شده؛ چنان‌که گفته‌اند بیشتر اصول چهارصدگانه شیعه در این دوران و دوران امام صادق علیهم السلام تدوین شده است. (معارف، ۱۳۷۴: ص ۱۹۳)

۱-۴. کشمکش بر سر قدرت و ضعف حکومت حاکم؛ سال‌های امامت امام باقر

مقارن با سال‌های پایانی حکومت بنی امیه و دوران افول قدرت آنان بود. امام باقر علیه السلام با پنج خلیفه اموی معاصر بود (ر.ک: یعقوبی، بی‌تاج، ۲، ص ۲۶۹-۳۲۰) که بیشتر آنان مدت زمان کمی فرصت حکومت پیدا کردند و همین امر در کنار عوامل دیگری مانند قیام زید (ر.ک: مفید، ۱۴۱۴؛ ج ۲، ص ۱۷۱؛ ابن‌اثیر، ۱۹۶۶؛ ج ۵، ص ۲۴۲) و به فاصلهٔ دو سال پس از آن، قیام یحیی، (ر.ک: ابن‌اثیر، ۱۹۶۶؛ ج ۵، ص ۲۷۱) باعث شد تا میزان فشارها و کنترل‌ها بر روی امام باقر علیه السلام، در مقایسه با ائمهٔ پیشین، کمتر شود و ایشان امکان برقراری ارتباط با مردم و نشر علوم اسلامی را داشته باشدند.

۱-۵. صدور فرمان کتابت حدیث؛ کتابت و تدوین رسمي حدیث که از زمان خلیفه دوم ممنوع شده بود، (خطیب بغدادی، ۱۹۷۴: ۵۲) در این دوره، به فرمان عمر بن عبدالعزیز لغو و فرمان کتابت و تدوین عمومی و رسمي حدیث صادر شد. (دارمی، ۱۳۴۹: ج ۱، ص ۱۲۶) این فرمان سبب شد تا زمینه برای کتابت و تدوین حدیث توسط شیعیان و برگزاری جلسات علنی آموزش حدیث توسط امام باقر علیه السلام آماده شود؛ هر چند شیعیان پیش از این فرمان نیز به فرمان امامان معصوم به نقل و کتابت حدیث اشتغال داشتند. (معارف، ۱۳۸۱: ص ۲۰۸)

۲. شاخصه‌های حدیث‌پژوهی در دوران امام باقر علیه السلام

مجموع عوامل پیش‌گفته باعث شد تا فرهنگی مخصوص در رابطه با حدیث در آن دوران شکل گیرد که مهم‌ترین شاخصه‌های این فرهنگ را در موارد زیر می‌توان شماره کرد:

۲-۱. آغاز پرسش‌گری: فتوحات به دست آمده و آشنایی مسلمانان با فرهنگ‌های سایر ملل باعث پیدایش شباهت و پرسش‌هایی جدید در اذهان مسلمانان این دوران شد و دانشمندان مشهور آن دوران، که از پاسخگویی به این شباهت عاجز بودند، به باب علم پیامبر ﷺ روی آوردند. قناده، که نزد بسیاری از فقهاء، از جمله

ابن عباس شاگردی کرده است، اذعان می‌کند که تنها نزد امام باقر علیه السلام حیران و مضطرب می‌گشته است. (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۹۷۹) عبدالله بن عطاء عالمان را نزد هیچ کس متواضع‌تر از زمانی که نزد امام باقر علیه السلام بوده‌اند، نمی‌بیند. او حکم بن عتبه را نزد امام باقر به سان کودکی قلمداد می‌کند که نزد معلمش نشسته است.

(مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۶۰) محمد بن مسلم پاسخ همه سؤالاتش را نزد امام باقر می‌یابد و حدود سی هزار حدیث نزد ایشان فرامی‌گیرد. (ابن شهرآشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۲۷) البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که خود امام باقر علیه السلام در روی آوردن اصحاب به پرسش‌گری و ترغیب آنان به تحقیق و تفحص نقشی درخور داشتند؛ چنان‌که در حدیثی از ایشان می‌خوانیم:

العلمُ خرائِنُ وَ المفَاتِيحُ السُّؤالُ فَاسْأَلُوا يَرَحْمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤْجِرُ فِي الْعِلْمِ أَرْبَعَةً: السَّائِلُ وَ الْمَتَّكِلُ وَ الْمَسْتَغِيثُ وَ الْمَحْبُّ لَهُمْ؟ (صدقه، ۱۳۶۲: ص ۲۴۵)

۲-۲. ارتقای علمی و فرهنگی شیعیان و اصحاب ائمه: اغلب راویان، در دوره‌های پیشین، حدیث را بیشتر برای تیمن و تبرک، می‌آموختند، اما در این دوران، با ارتقای فرهنگی اصحاب، دیگر نه فقط برای تیمن و تبرک، بلکه برای یادگیری اصولی و کشف لایه‌های ناپیدای علوم، به خوان دانش اهل‌بیت مراجعه می‌کردند. بدیهی است که سؤالات افرادی مانند زراره، حمران بن اعین، ابان بن تغلب و ...، که فقهیانی به نام بودند، نمی‌توانست از روی تیمن و تبرک باشد. امام نیز با تبیین جایگاه حدیث، یارانش را در این مسیر تأیید و یاری می‌کردند؛ ایشان حدیث اهل‌بیت را زنده‌کننده دل‌ها معرفی می‌کردند: «إِنَّ حَدِيثَنَا يُجَسِّدُ الْقُلُوبَ». (صدقه، ۱۳۶۲: ص ۲۲) و مردم را به تمسک به سنت پیامبر فرامی‌خواندند: «فَالْرَّسُولُ اللَّهُ: مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنْنَتِنِي فَفِي اخْتِلَافِ أَمْتَى كَانَ لَهُ أَجْرٌ مِائَةُ شَهِيلٍ». (برقی، ۱۳۳۰: ج ۱، ص ۲۷) و بدین‌سان، با تبیین جایگاه و اهمیت حدیث، سطح فرهنگی اصحاب و نوع دید آنان نسبت به کلام

اهل بیت را ارتقا می‌بخشیدند.

۲-۳. کثرت مراجعه مردم به اهل بیت: جایگاه ویژه اهل بیت علیهم السلام در نقل احادیث پیامبر ﷺ، که در صد سال گذشته فراموش شده بود، در این دوران برای تمامی مسلمانان شناخته شد. عموم محدثان، در این دوران، بهترین سند احادیث پیامبر ﷺ را طریقی می‌دانستند که از طریق ائمه اهل بیت به رسول الله ﷺ می‌رسید. (عینی، بی‌تا: ج ۷، ص ۱۷۴؛ مبارکفوری، ج ۹، ص ۲۷۰) مجموع این عوامل باعث شد زمینه خوبی برای فعالیت در عرصه علم و فرهنگ، به ویژه در عرصه دانش حدیث، برای امام باقر علیه السلام فراهم شود. در ادامه مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان در عرصه حدیث را بررسی می‌کنیم.

۳. تأثیرات امام باقر علیه السلام بر حدیث شیعه

۱-۱. انتشار و همگانی نمودن حدیث از طریق جلسات عمومی و خصوصی

پس از فرمان کتابت حدیث توسط عمر بن عبدالعزیز، (دارمی، ج ۱، ص ۳۴۹؛ ج ۱، ص ۱۲۶) افراد زیادی به این کار اقدام کردند. امام باقر علیه السلام، که با تأسی به سلف صالح خود، به فرمان منع کتابت حدیث، بی‌اعتنای بودند، (معارف، ص ۲۰۱؛ ج ۱۳۸۱) با آزاد شدن نگارش حدیث و مناسب شدن جو عمومی، فرصت بهتری را برای بسط دانش پیامبر ﷺ و امامان پیشین پیدا کردند. مسلمانان، به ویژه شیعیان، که ایشان را تنها وسیله مطمئن برای دستیابی به علوم پیامبر می‌دانستند، در جلسات عمومی - که در مسجد النبی، مسجد کوفه و موسم حج برگزار می‌شد - یا در جلسات خصوصی - که اغلب در منزل امام و در ساعات بین نماز ظهر و عصر و ساعات ابتدایی شب برگزار می‌شد (طوسی، ج ۱، ص ۲۵۶؛ ج ۱، ص ۱۳۶۳) - به محضر ایشان می‌رسیدند و احادیث ایشان را ثبت و منتشر می‌ساختند. امام باقر علیه السلام، علاوه بر جلسات عمومی و اختصاصی، گاه نیز از روش نامه‌نگاری در نشر حدیث بهره می‌بردند؛ نامه امام به سعدالخیر،

نمونه‌ای از این نوع فعالیت‌هاست. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸ ص ۵۲)

۲-۳. نشر حدیث از طریق پایه‌گذاری سیستم ارجاع به افراد متخصص

علاوه بر روش‌های پیش‌گفته که کم و بیش در دوره امامان پیشین هم از آن‌ها استفاده می‌شد، در این دوره روشنی دیگر نیز برای تبلیغ و انتشار حدیث توسط امام باقر علیه السلام ابداع شد که سیستم ارجاع به افراد و اصحاب متخصص بود؛ امام باقر علیه السلام خطاب به ابان بن تغلب، از شاگردان فقیه خویش، فرمودند:

«در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده. من دوست دارم که افرادی مانند تو را در میان شیعیانم ببینم.» (نجاشی، ۱۴۱۵: ص ۱۰)

ایشان در پاسخ به پرسش‌های سلیم بن ابی‌حیه، او را به ابان بن تغلب ارجاع می‌دهند و روایت‌های ابان را به منزله روایت خود معرفی می‌نمایند. (نجاشی، ۱۴۱۵: ص ۱۳) امام صادق علیه السلام نیز عبدالله بن ابی‌یعفور را، که برای رسیدن به محضر امام با مشکلاتی مواجه است، برای یافتن پاسخ پرسش‌های خود، به محمد بن مسلم ارجاع می‌دهند؛ چرا که به بیان امام، او احادیث بسیاری را از امام باقر علیه السلام شنیده بوده و نزد ایشان بسیار شناخته شده بود. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۷، ص ۱۴۴)

۳-۳. نشر حدیث از طریق پایه‌گذاری فرهنگ عرضه حدیث

روش دیگر نشر حدیث که در زمان امام باقر علیه السلام آغاز و در دوره‌های بعد گسترش یافت، روش عرضه احادیث نبوی بود؛ بدین ترتیب که محدث، حدیثی را که به واسطه دیگران از رسول خدا علیه السلام به دست آورده و در فهم معنای آن عاجز است، نزد امام علیه السلام می‌آورد و نخست از صحت انتساب آن به پیامبر جویا می‌شود و در صورت صحت انتساب، مفهوم آن را از امام فرامی‌گیرد. این روش بی‌تردید یکی از بهترین روش‌ها برای روایت و درایت حدیث است که تا این دوران سابقه نداشته است. به این‌گونه مراجعات در اصطلاح علم حدیث عرضه حدیث گویند. (درباره

عرضه حدیث و کیفیت و شواهد آن در زمان معصومان ر.ک: مسعودی، ۱۳۷۶: ص ۲۹-۵۴) نتیجه این مراجعات صدور احادیث جدیدی بود که برخی از آنان به صورت قواعد حدیثی شناخته می‌شود. ویژگی این گونه قواعد حدیثی آن است که مقیاس صحیح و راهکار مواجهه با احادیث را برای محدثان و فقیهان روشن می‌سازد. برای مثال در روایتی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم:

«إِنَّ حَدِيثَنَا صَعُبٌ مَسْتَصْعِبٌ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مَلْكٌ مُقْرَبٌ أَوْ نَبِيٌّ مَرْسُلٌ أَوْ عَبْدٌ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلإِيمَانِ فَمَا عَرَفَتْ قُلُوبُكُمْ فَخُذُوهُ وَ مَا أَنْكَرْتَ فَرِدُودُ الْيَنَا» (صفار، ۱۳۶۲: ص ۴۱)

قاعده‌ای که از این حدیث می‌توان برداشت کرد، پرهیز از تکذیب و انکار شتاب‌زده حدیث است؛ چرا که انکار شتاب‌زده ممکن است به انکار سخن معصوم بیانجامد و انکار سخن معصوم، کفر است؛ چنان‌که در نقل دیگری از روایت فوق هم در ذیل حدیث به این مطلب اشاره شده است:

«وَإِنَّمَا الْأَهْلِكُ أَنْ يُحَكِّرَ أَخْدُوكُمْ بِشَيْءٍ مِنْهُ لَا يَخْتَمِلُهُ، فَيَقُولُ: "وَاللَّهُ مَا كَانَ هَذَا وَاللَّهُ مَا كَانَ هَذَا، وَإِنَّكُارَ هُوَ الْكُفْرُ». (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۰۱)

۴-۳. گستراندن عرضه احادیث نبوی

امام باقر علیه السلام در جامعه‌ای می‌زیست که به سبب وجود حاکمانی نااهل، در طول ده‌ها سال از سنت و سیره رسول خدا علیه السلام فاصله گرفته بود و سنت پیامبر فراموش شده بود. ایشان با بیان احادیث پیامبر سعی می‌نمودند تا مردم را با فرهنگ ناب نبوی آشنا سازند و سنت و سیره ایشان را در جامعه احیا نمایند. امام پیوسته به راوی بودن خود تأکید می‌کرد؛ چنان‌که خطاب به جابر می‌فرماید:

«ای جابر، به خدا سوگند اگر ما از جانب خودمان برای مردم حدیث بگوییم، یقیناً هلاک خواهیم شد؛ آنچه که ما برای مردم بیان می‌کنیم، برگرفته از احادیث نبوی است که از بزرگان و پیشینیان به ما به ارث رسیده است و از این سخنان،

آنچنان که مردم از طلا و نقره‌شان نگهداری می‌کنند، محافظت می‌نماییم.»

(صفار، ۱۳۶۲: ص ۳۲۰)

و نیز در پاسخ جابر که از امام می‌خواهد، هرگاه حدیثی برای او بازگو می‌کند، سندش را نیز بیان کند، می‌فرماید:

«حدیثی آبی عن جدّی عن رسول الله عن جابر و عالی و کل ما أحدثك

بِهِذَا الْإِسْنَادِ.» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۷، ص ۹۸)

۵-۳. ترغیب به حدیث پژوهی

یکی از اقدامات حدیثی امام باقر علیه السلام ترغیب مردم به حدیث پژوهی و فراگرفتن حدیث است. این امر بیشتر از طریق بیان و تبیین پاداش عالمان و متعلمانت انجام شده است؛ چنان‌که در حدیثی از ایشان می‌خوانیم:

إِنَّ الَّذِي تَعَلَّمَ الْعِلْمَ مِنْكُمْ لَهُ مِثْلُ أَجْرٍ الَّذِي يُعْلَمُهُ وَ لَهُ الْفَضْلُ عَلَيْهِ تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ مِنْ حَمَلَةِ الْعِلْمِ وَ عَلَمُوهُ إِخْوَانَكُمْ كَمَا عَلَمَكُمُ الْعُلَمَاءُ. (صفار، ۱۳۶۲: ۲۴)

امام، علاوه بر ترغیب مردم به دانشجویی، عالمان را نیز به آموزش دادن به دیگران ترغیب می‌کردند:

مَنْ عَلَّمَ بَابَ هُدَىٰ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرٍ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَ لَا يَنْفَضُّ أُولَئِكَ مِنْ أَجْوَرِهِمْ شَيْئًا. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۵)

۶-۳. تربیت شاگردان زبدہ

مناسب بودن شرایط عمومی جامعه موجب شد راویان، عالمان و فقهیان از توده مردم متمایز شوند. در دوره‌های پیشین، کمتر افرادی پیدا می‌شدند که تمام زندگی خود را وقف حدیث و دانش نمایند و اغلب محدثان، ضمن آنکه به کسب و کار روزمره می‌پرداختند، در کنار آن به نقل روایات پیامبر نیز اهتمام می‌ورزیدند. اما در این دوران شرایطی فراهم شد که برخی از مردم، توانستند تمام وقت خود را صرف حدیث و دانش نمایند و حوزه‌ها و جلسات درس و بحث فراهم کنند و

حتی از این راه ارتزاق نمایند. این امر باعث شد افرادی متخصص و زبده در علوم و فنون حدیث تربیت یابند. امام باقر علیه السلام پیشگام عرصه تربیت افراد متخصص و صاحب رأی در حدیث و تفسیر و سایر علوم بودند. طوسی در رجال خود، نام ۴۶۸ نفر را در ردیف اصحاب محدث امام باقر علیه السلام یاد کرده است. (طوسی، ۱۴۱۵: ص۳۱-۱۲۳) ایشان به حدی به شاگردان خود توجه داشتند که در آستانه شهادتشان، فرزندشان امام صادق علیه السلام را به تعلیم و تربیت آنها سفارش می‌کند و امام صادق علیه السلام در پاسخ پدرشان عرض می‌کنند:

«آنان را به گونه‌ای پرورش می‌دهم که از جهت علوم دینی به کمال برستند و در هر شهری که باشند، به دانش شخص دیگری نیازمند نباشند.» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۰۶)

از مهم‌ترین این افراد، زراره بن اعین، معروف بن خربود، برید بن معاویه، فضیل بن یسار، ابوبصیر اسدی و محمد بن مسلم را می‌توان نام برد که به گروه اول اصحاب اجماع معروف‌اند. (طوسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۵۰۷) امام صادق علیه السلام از چهار نفر از یاران مشترک خود و پدر بزرگوارشان بسیار نام برد و آنان را با عباراتی همچون أَرْبَعُهُ جُنُبٌ، أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ (طوسی: ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۹۸)، الْقَوْمُونَ بِالْقِسْطِ، السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (طوسی: ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۹۹)، أَوْتَادُ الْأَرْضِ، أَعْلَامُ الدِّينِ (طوسی: ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۵۰۷)، حَفَاظُ الدِّينِ وَ أَمْنَاءُ أَبِي (طوسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۴۸) می‌ستود و ایشان را به بهشت بشارت می‌داد. عظمت و کارایی این گروه به اندازه‌ای است که امام صادق علیه السلام در رثای آنان می‌فرمایند:

«اگر آنان نبودند آثار نبوت منقطع می‌شد و از بین می‌رفت.» (طوسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۹۸) و می‌فرمودند:

«ایشان، چه در دنیا باشند و چه از دنیا رفته باشند، همواره زینت شیعه

هستند.» (طوسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۵۰۸)

همچنین ایشان درباره جمعی از یاران پدرشان می‌فرمایند:

«کسی را نیافتنم که یاد ما و احادیث پدرم را زنده نماید؛ مگر زراره، ابو بصیر مرادی، محمد بن مسلم و برید بن معاویه و اگر ایشان نبودند کسی را توان یافتن و استنباط راه هدایت نبود. آنان پاسداران دین و امینان پدرم بودند.» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۷، ص ۱۴۴؛ طوسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۴۸)

۳-۷. تاثیرگذاری بر محدثان اهل سنت

از دیگر فعالیت‌ها و اقدامات امام باقر علیه السلام در عرصهٔ حدیث، می‌توان بر تأثیر بسزای ایشان بر محدثان عامه اشاره کرد. منع نگارش حدیث باعث کمبود منابع در عرصهٔ حدیث شد و این امر بیش از همه کار محدثان اهل سنت را دشوار ساخت. آنان از بیشتر احادیث پیامبر ﷺ اطلاع کامل نداشتند و شاید همین امر باعث شد که به قیاس و استحسان روی آورند. پس از رفع ممنوعیت تدوین حدیث، آنان که سال‌های سال از گنجینهٔ روایات نبوی محروم بودند، در جستجوی احادیث پیامبر، به امام باقر علیه السلام و پس از ایشان به امام صادق علیه السلام رسیدند و ایشان را گنجینه‌ای از دانش یافته‌ند و به همین سبب پای درس ایشان نشستند و این امر مقدمات تاثیرگذاری ایشان بر محدثان اهل سنت را فراهم ساخت. بسیاری از روایان غیرشیعی، روایت رسول خدا ﷺ را از صادقین علیهم السلام نقل کرده‌اند. حجاج بن ارطاء، حکم بن عتبه، سلیمان بن اعمش، عبدالله بن عطاء، عبدالرحمن او زاعی، عبدالملک بن جرجیج، عطاء بن ابی رباح، ابن شهاب زهری، ابواسحاق سبیعی و ... از مهم‌ترین روایان اهل سنت هستند که از امام باقر حدیث نقل کرده‌اند. (مزی، ۱۹۸۵: ج ۲۶، ص ۱۳۹)

سفیان ثوری، سفیان بن عینه، شعبه بن حجاج، ضحاک بن مخلد، عبدالعزیز بن عمران زهری، عبدالملک بن عبدالعزیز بن جرجیج، مالک بن انس، ابوحنیفه، یحیی

بن سعید قطان و ... نیز از مهم‌ترین محدثان اهل سنت هستند که از امام صادق علیه السلام روایت نقل کرده‌اند. (مزی، ۱۹۸۵: ج ۵، ص ۷۵) برخی از آن‌ها مثل اعمش، (صفار، ۱۳۶۲: ص ۷۷، ۲۱۱، ۴۳۶؛ طوسي، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۱۵۸؛ ۱۳۶۴: ج ۹، ص ۳۱۵، حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۲۹۵، ۳۹۰؛ ۳۹۰: ج ۳، ص ۴۸، ۷۹، ۱۸۲، ۲۰۶ و ...) و اسماعيل بن ابي زياد سکونی، (کليني، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۲، ۲۳، ۴۶، ۷۱) و افراد دیگر، روایاتشان در جوامع شيعی هم نقل شده و موثق تلقی می‌شود.

در مجموع در مهم‌ترین منابع حدیثی اهل سنت، اعم از صحاح و سنن و مستدرکات آن‌ها، حدود ۵۴۲ روایت و با حذف مکرات ۳۳۴ روایت از امام باقر آمده است که این میزان روایت، در مقایسه با تعداد روایات ائمه پیش از امام باقر در منابع اهل سنت، به جز روایات امام علی علیه السلام، عددی درخور توجه است؛ هرچند در مقایسه با سایر افرادی که اهل سنت آن‌ها را هم طبقه امام باقر می‌دانند، تعداد روایات کمتری از ایشان گزارش کرده‌اند. (جهت اطلاع از میران رویکرد اهل سنت به روایات امام باقر ر.ک: اميني، ۱۳۸۷: ص ۱۶۸)

۳-۸. تبیین راهکارهای دریافت، نقد و فهم حدیث

یکی از اقدامات امام باقر علیه السلام در حوزه حدیث، تبیین برخی قواعد و چارچوب‌های کلی علم حدیث و راهکارهای دریافت، نقد و فهم حدیث است که در ادامه به برخی از این قواعد اشاره می‌کنیم:

۳-۸-۱. تبیین حجیت کلام اهل بیت

یکی از مباحث اساسی در دانش حدیث، حجیت کلام معصومان است. در صدر اسلام برخی از مسلمانان با سر دادن شعار انحرافی «حسیننا کِتابَ اللّٰهِ» (بخاري، ۱۹۸۸: ج ۵، ص ۱۳۸) و پس از آن منع تدوین حدیث، (ابوريه، بي‌تا: ص ۴۷) بنای انحراف از سنت و سیره پیامبر و معصومان را پی‌ریزی کردند. امام باقر علیه السلام در راستای مبارزه با این

انحراف و ترغیب مردم به پیروی از سنت پیامبر و معصومان، به تبیین دلایل حجت

کلام اهل بیت می‌پرداختند؛ چنان‌که به نقل از پیامبر ﷺ می‌فرمایند:

فِ كُلِّ خَلْفٍ مِنْ أَمْتَنِي عَدْلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَكْفِي عَنْ هَذَا الدِّينِ تَحْرِيفَ الْغَالِبِينَ وَ اتِّحَادَ الْمُطْلِبِينَ وَ تَأْوِيلَ الْجَهَالَ وَ إِنَّ أَئْتَكُمْ وَ فَدُوكُمْ إِلَى اللَّهِ فَانظُرُوا مَنْ ثُوَفُدُوا فِي دِينِكُمْ وَ صَلَواتُكُمْ.

(حمیری، ۱۴۱۳: ص ۷۷) «پس از من، در هر دوره‌ای، فردی عادل از اهل بیت من در

میان مردم خواهد بود که تحریفات دین را می‌زداید و اقدامات دشمنان را باطل

می‌سازد و تأویلات افراد جاهل را نفی می‌کند. به راستی که پیشوایان شما

نماینده شما نزد خدا هستند؛ پس بنگرید که چه کسانی را در دین و باورهایتان

به نمایندگی انتخاب می‌کنید.»

۲-۸-۳. توجه دادن به لزوم دقت در سماع حدیث

یکی از مسائل مهم در علم حدیث، کیفیت تحمل حدیث است. در میان طرق تحمل حدیث نیز روش «سماع»، بنا به دلایلی، از جمله ارتباط مستقیم راوی با

شیخ حدیث، جایگاه ویژه‌ای دارد. (درباره طرق تحمل حدیث و اصول و قواعد مربوط به آن ر.ک: مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۲-ب: ص ۱۷۰) امام باقر علیه السلام، راویان را به دقت در سماع فرا می‌خوانند؛

چنان‌که می‌فرمایند:

إِذَا حَكَسْتَ إِلَى عَالِمٍ فَكُنْ عَلَى أَنْ تَسْمَعَ أَحْرُصُ مِنْكَ عَلَى أَنْ تَقُولَ وَ تَعْلَمَ حُسْنَ

الإِسْتِمَاعِ كَمَا تَتَعَلَّمُ حُسْنَ الْقَوْلِ وَ لَا تَقْطَعَ عَلَى أَحَدٍ حَدِيثَهُ؟ (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۱، ص ۲۲۲)

«زمانی که نزد عالمی نشستی، برای شنیدن، از سخن گفتن حریص‌تر باش؛

خوب گوش دادن را فرای بگیر همان‌گونه که خوب سخن گفتن را یاد می‌گیری.

سخن کسی را که حدیث می‌گوید، قطع نکن.»

نکته جالب در این حدیث، پرهیز از قطع نمودن کلام شیخ حدیث است؛ چرا

که قطع نابجای سخن شیخ حدیث ممکن است به تقطیع حدیث بیانجامد که خود

آفتی در حدیث به شمار می‌رود. (درباره تقطیع حدیث و پیامدها و شرایط آن، ر.ک: مدیرشانه‌چی،

۱۳۷۲-الف: ص ۱۲۸) امام در حدیثی دیگر حتی مراحل تحمل و ادای حدیث را نیز تبیین کرده و آن را در خوب شنیدن، خوب حفظ کردن، عمل کردن به آموخته‌ها و انتشار و همگانی نمودن آن خلاصه کرده‌اند:

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَيَّ النَّبِيِّ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْعِلْمُ؟ قَالَ: الْإِنْصَافُ، قَالَ ثُمَّ مَهَ؟ قَالَ: الْإِسْتِمَاعُ لَهُ، قَالَ: ثُمَّ مَهَ؟ قَالَ: الْحِفْظُ لَهُ، قَالَ: ثُمَّ مَهَ؟ قَالَ: الْعَمَلُ بِهِ، قَالَ: ثُمَّ مَهَ؟ قَالَ: نَشْرُهُ.

(صدوق: ۱۳۶۲؛ ص ۲۸۷)

۳-۸-۳. توجه دادن به مسئله پرهیز از اعتماد به راویان ضعیف

یکی دیگر از اصول علم روایت حدیث، پرهیز از اعتماد به راویان ضعیف است.

امام باقر علیه السلام در این زمینه نیز سخنان درخور توجهی دارند؛ چنان‌که می‌فرمایند:

مَنْ عَرَفَ مِنْ عَبْدٍ مِنْ عُبَيْدِ اللَّهِ كَذِبًا إِذَا حَدَّثَ وَ خُلِفَ إِذَا وَعَدَ وَ خَيَانَهُ إِذَا اتَّسَمَ ثُمَّ اتَّسَمَهُ عَلَى أَمَانَهِ كَانَ حَقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَتَنَاهِ فِيهَا ثُمَّ لَا يُخْلِفَ عَلَيْهِ وَ لَا يَأْخُرُهُ

(حر عاملی، ج ۱۴۱۴، ص ۸۸) هر کس دروغ بنده‌ای را بفهمد یا خلف وعده‌اش را ببیند و بر خیانتش شاهد باشد و با این حال او را بر امانی، امین گرداند، بر خداست که او را در آن مسئله دچار مصیبت کند و هیچ پاداشی بر او قرار ندهد.

بدیهی است که احادیث اهل بیت علیهم السلام یکی از مهم‌ترین مصادیق امانت است که می‌تواند مشمول این سخن امام قرار بگیرد. امام در جای دیگر، مردم را از روی آوردن به دانشمندان ستمنگر و نیز عابدان جاہل نهی می‌کنند؛ چرا که هر دو گروه یادشده از مهم‌ترین عوامل انحراف و گمراهی به شمار می‌روند. (مجلسی، ۱۹۸۳؛ ج ۱، ص ۲۰۷)

۳-۸-۴. توجه دادن به لزوم اعتماد به راویان موثق

امام، علاوه بر نهی مردم از اعتماد به راویان غیرقابل اعتماد، آنان را به پی‌جویی درباره راویان و شناسایی راویان موثق و اخذ سخنان آنان فرامی‌خواند. ایشان درباره آیه ﴿فَلَيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ (عبس/۲۴) یکی از مصادیق طعام را دانشی می‌داند که

انسان به دست می‌آورد و اینکه انسان باید دقت کند که دانش خود را از چه کسی

فرامی‌گیرد. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۵۰) ایشان می‌فرمایند:

سَارِعُوا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَوَاللَّذِي تَفْسِي بِيَدِهِ لَحْيَتُ وَاجِدٌ فِي حَلَالٍ وَ حَرَامٍ تَأْخُذُهُ عَنْ

صَادِقٍ خَيْرٍ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا حُمِّلَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَ فِضَّةٍ؛ (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۷، ص ۹۸)

۵-۸-۳. تبیین بحث وجود احادیث جعلی

یکی از مسائل علم حدیث، پذیرش وجود احادیث جعلی است؛ چنان‌که پذیریم احادیث جعلی در منابع روایی ما کم و بیش وجود دارد، ضرورت علم رجال و دانش‌های مرتبط با کشف احادیث مجعلو نیز از این رهگذر تبیین می‌شود. امام باقر علیه السلام با استناد به سخن پیامبر ﷺ، وجود احادیث جعلی و دروغین را در لابلای میراث حدیثی موجود در میان مسلمانان تأیید و در این زمینه به مؤمنان هشدار می‌دهند. (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۹۲) امام حتی در موارد لازم نمونه‌هایی از احادیث جعلی را که در میان مردم مشهور شده است، ذکر و جعلی بودن آن‌ها را اثبات نموده‌اند؛ چنان‌که می‌فرمایند:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ اسْتَحْلَلَ الْأَمْرَاءَ الْعَذَابَ لَكَذْبَةٍ كَذَبَهَا أَنْسُ بْنُ مَالِكٍ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَمَرَ يَدَ رَجُلٍ إِلَى الْحَائِطِ وَ مِنْ ثُمَّ اسْتَحْلَلَ الْأَمْرَاءُ الْعَذَابَ؟ (صدق، ۱۹۶۶: ج

۲، ص ۵۴۱) نخستین چیزی که شکنجه نمودن را برای حکام جایز قلمداد کرد، دروغی بود که انس بن مالک بر رسول خدا بست که پیامبر دست مردی را با میخ به دیوار کوفت. و از اینجا بود که شکنجه کردن حلال شمرده شد.

امام در این سخن، نه تنها جاعل و مجعلو را معرفی می‌کند، بلکه پیامدهای آن را نیز یادآور شده‌اند.

۵-۸-۴. ابداع شیوه مشیخه‌نویسی

یکی از روش‌های محدثان برای اختصار اسناد، روش مشیخه‌نویسی است؛ به

این صورت که احادیث را بدون ذکر اسناد در کتاب خود می‌آورند و آنگاه در آخر کتاب یا در جای دیگر، طرق خود را به روایان و کتب به طور مفصل گزارش می‌کنند و بدین ترتیب از تکرار اسناد جلوگیری می‌کنند. (ر.ک: مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۲ - الف: ص ۲۲) شاید بتوان گفت که حدیث معروف امام باقر علیه السلام خطاب به جابر، بتواند اولین سنگ بنای مشیخه‌نویسی باشد. در این حدیث جابر از امام می‌خواهد که هرگاه حدیثی برای او بیان می‌کند، سند آن را نیز بازگو کند. امام در پاسخ به او به سند «*حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ حَدَّىٰ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ إِنَّمَا يَعْلَمُ عَنْ جَبَرَيْلَ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى*» اشاره فرموده و سپس فرمودند:

«هرگاه برای تو حدیثی بازگو می‌کنم، سند آن، این است.» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج

(۹۷)، ۲۷

۳-۸-۷. تبیین اصول نقد متن حدیث

یکی از مسائل مهم در دانش حدیث، مبانی و اصول نقد متن روایات و شناسایی روایت‌های مجعلو است. امام در این زمینه نیز با ارائه راهکارهایی، محدثان را راهنمایی و باب‌هایی را پیش روی آنان گشوده‌اند؛ چنان‌که در حدیثی به نقل از پیامبر، مخالفت حدیث با قرآن را یکی از معیارهای شناسایی حدیث مجعلو معرفی می‌کند: «*سَيِّكَدَثُ عَلَىٰ كَادِثٌ كَمَا كُدُّبَ عَلَىٰ مَنْ كَانَ قَبْلَيْ فَمَا جَاءَكُمْ عَنِي مِنْ حَدِيثٍ وَاقِعٍ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ حَدِيثِي وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَلَيَسَ مِنْ حَدِيثِي*» (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۹۲) ایشان، در جای دیگر موافقت حدیث با سنت قطعی پیامبر را ملاک تشخیص صحت حدیث معرفی می‌فرماید؛ چنان‌که به نقل از رسول خدا علیه السلام می‌فرماید: «*مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنْنَتِي فِي اخْتِلَافٍ أَمْتَنِي كَانَ لَهُ أَجْرٌ مِائَةً شَهِيدٍ*». (برقی، ۱۳۳۰: ج ۱، ص ۲۷) که یکی از مهم‌ترین مصادیق اختلاف، اختلاف بر سر صحت یا عدم صحت حدیث است.

۸-۸-۳ پرهیز از انکار شتاب‌زده حدیث

گفتیم که شناسایی احادیث مجعلو، امری مهم در دانش حدیث است. با این حال باید توجه داشت که افراط در این امر نیز ممکن است موجب گمراهی شود؛ چرا که گاه سطحی‌نگری در این زمینه ممکن است به رد سخن معصوم بیانجامد که پیامد آن کفر و انحراف است. امام در بیانی شیوا و مشهور، مؤمنان را از این خطر آگاه و در این زمینه به آن‌ها هشدار می‌دهند؛ آنجا که می‌فرمایند:

إِنَّ حَدِيثَنَا صَعُبٌ مَسْتَصْعِبٌ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مَلْكٌ مُقْرَبٌ أَوْ نَبِيٌّ مَرْسُلٌ أَوْ عَبْدٌ امْتَحَنَ اللَّهُ قَبْلَهُ لِلإِيمَانِ فَمَا عَرَفَتْ قُلُوبُكُمْ فَخُلُّدُوهُ وَ مَا أَنْكَرَتْ فَرِدُوْهُ إِلَيْنَا وَ إِنَّمَا الْمُهَاجِلُ أَنْ يُخَدَّثُ أَحَدُكُمْ بِشَيْءٍ مِنْهُ لَا يَكْتَمِلُهُ، فَيَقُولُ: "وَاللَّهُ مَا كَانَ هَذَا وَاللَّهُ مَا كَانَ هَذَا،" وَالْإِنْكَارُ هُوَ الْكُفُرُ. (صفار،

١٣٦٢: ص ۴۱؛ کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۰۱)

۹-۳ معرفی غالیان و منحرفان و راویان غیرقابل اعتماد و برخورد با آنان

با صدور فرمان تدوین حدیث، با توجه تشنجی پدیدآمده از منع قبلی که دهها سال به طول انجامیده بود، حدیث‌نویسی و کتابت رسمی و عمومی حدیث به طور گسترده‌ای آغاز شد. بدیهی است که در این میان، بسیاری از احادیث ساختگی نیز، که در طول سال‌های ممنوعیت کتابت حدیث، با حمایت بنی امية و به دست جاعلان حدیث جعل شده و بخشی از فرهنگ مسلمانان را شکل داده بود، با نام حدیث، در متون حدیثی وارد شد. این نوشته‌ها، که اغلب بدون نظارت دقیق و نقد جدی، به طور گسترده در محافل علمی و عمومی مسلمانان ارائه می‌شد، آفتی برای حدیث به شمار می‌رفت. علاوه بر این، آفتی خاص گریبان شیعه را گرفته بود و آن جریان غالیان بود که دست جعل آنان، جریان حدیث شیعه را آلوده می‌کرد. ماجراهی قصه پردازان و داستان‌های دروغین و اسرائیلی آنان هم کم و بیش در جامعه اسلامی رواج داشت. مجموع این عوامل باعث می‌شد که ساحت مقدس حدیث رسول خدا ﷺ، به احادیث جعلی و دروغین آلوده شود و عموم مردم هم که توانایی

شناخت حدیث مجعلول از غیر مجعلول را نداشتند، به همه این احادیث به دیده قبول می‌نگریستند. در این فضای آشفته که گاه شناسایی افراد دروغگو و مغرض غیرممکن می‌نمود، امام به معرفی و رسوا نمودن راویان کذاب و دروغگو و جاعل می‌پرداختند تا مؤمنان از مراجعه به آنان خودداری کنند. یکی از این افراد بنان است که امام او را معرفی و لعن نموده و کذب او را آشکار ساخته است. (طوسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۵۹۰)

۳-۱۰. بر جای نهادن میراث حدیثی منحصر به فرد

یکی دیگر از اقدامات امام باقر علیه السلام در حوزه علوم حدیث، بر جای نهادن میراث حدیثی منحصر به فرد است. آنچه از احادیث ایشان در زمینه‌های مختلف به دست ما رسیده است، نشان از فعالیتی فراگیر در همه حوزه‌های علوم اسلامی دارد. از آنجا که ژرف‌پژوهی و سؤال از دلیل قرآنی و غیر قرآنی احکام و معارف، مطرح ساختن شباهه‌های متنوع در حضور امام، پرسش درباره ملاحم و فتن دوره‌های پیشین، سؤال از تفسیر قرآن و عرضه آیات و روایات بر ایشان و کندوکاو در تمامی مباحث علمی، فلسفی و کلامی از ویژگی‌های راویان و محدثان این دوره است، لذا موقعیت این دوران اقتضا می‌نمود که امام باقر علیه السلام در تمامی علوم اسلامی سخن بگوید و در حافظه تاریخ، میراث پربهایی را از خود به یادگار گذارد. (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۶۲) در ادامه به حوزه‌های مختلفی که آثاری از امام باقر علیه السلام در آن به دست ما رسیده است، اشاره می‌کنیم:

۳-۱۰-۱. میراث حدیثی امام باقر علیه السلام در زمینه قرآن و تفسیر آن

سفرارش امام باقر علیه السلام به خواندن، حفظ کردن، تدبیر در قرآن و عمل به آن در بسیاری از متون حدیثی آمده است. (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ص ۵۲) امام باقر علیه السلام از صوتی خوش بهره‌مند بودند؛ چنان که درباره ایشان آمده است که از خوش

صداترین مردم در تلاوت قرآن به شمار می‌رفتند. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۶۱) علاوه بر این، ایشان در زمینه تفسیر قرآن و تبیین قواعد آن نیز اقدامات ارزنده‌ای به سامان رسانده‌اند. قتاده، فقیه و مفسر بصره به حضور امام باقر علیه السلام می‌رسد. امام، برای امتحان او تفسیر آیه‌ای را از او می‌پرسد که وی آن آیه را با رأی خود تفسیر می‌کند. آنگاه امام، او را از تفسیر به رأی بر حذر می‌دارند و آن را عامل هلاک و اهلاک معرفی می‌کنند و می‌فرمایند:

وَيَحْكَ يَا قَتَادَةُ إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ حُوْطَبَ بِهِ؛ (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ص ۳۱۲) وای بر تو ای قتاده، قرآن را فقط کسی [کامل] می‌شناسد که مخاطب واقعی قرآن است. در روایات تفسیری امام باقر علیه السلام گاه تبیین مفهوم یک آیه مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان‌که در تبیین آیه ﴿وَمَنْ يَخْلُلْ عَلَيْهِ عَصْبَى فَقَدْ هَوَى﴾ (طه/۸۲) آن را به معنای طرد و عقاب الهی دانسته‌اند. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۱۰) گاه به بیان شأن نزول یا سبب نزول آیه پرداخته‌اند؛ چنان‌که درباره آیه ﴿فَكَبَكُبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَائُونَ﴾ (شعراء/۹۴) فرموده‌اند که این آیه درباره قومی نازل شده است که حق را با زبانشان توصیف کرده‌اند، اما در مقام عمل با آن مخالفت نمودند. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۸) گاه نیز به بیان مصاديق یک آیه پرداخته‌اند؛ چنان‌که در معرفی مصدق اتم ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (زمرا/۹) فرمودند:

إِنَّمَا تَحْكُمُ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ عَدُونَا وَشَيْعَتُنَا أُولُو الْأَلْبَابِ. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۱۲)

گاه نیز به تبیین آیات متشابه پرداخته و مراد آیه را روشن نموده است؛ چنان‌که در پاسخ به سؤالی درباره ید و انتساب آن به «الله» به کاربست مجازی ید در قدرت اشاره کرده و فرموده‌اند:

«ید به معنای دست، در کلام عرب به قوت و نعمت هم معنا می‌شود؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوَدَ ذَا الْأَيْدِي﴾ (ص ۱۷) و

می فرماید: ﴿وَ السَّمَاءَ بَيْنَاهَا﴾ (ذاریات/۴۷) ... و وقتی گفته می شود: «فلانی نزد من دست های بسیاری دارد،» مراد این است که احسان، نیکویی و کرامت دارد و در عبارت «لَهُ عِنْدِي يَدٌ يَضْعَفُ»، ید به معنای نعمت است. (صدق، ۱۳۸۸: ص ۱۶)

به هر روی بخشی از فعالیت های حدیثی امام باقر علیه السلام، به حوزه روایات تفسیری مربوط می شود. ابن ندیم کتابی با عنوان تفسیر قرآن را به امام باقر علیه السلام نسبت داده است که ابوالجارود از ایشان روایت کرده است. (ابن‌النديم، بي‌تا: ص ۳۶) به نظر می‌رسد که این تفسیر، همان تفسیر ابوالجارود معروف است که بخش هایی از آن در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی آمده است. (معرفت، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۶۰ و ص ۱۸۳) به جز ابوالجارود، ابان بن تغلب (ابن‌النديم، بي‌تا: ص ۲۷۶) و جابر بن یزید جعفی (بغدادی، بي‌تا-ب: ج ۱، ص ۲۴۹؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۳: ج ۴، ص ۲۵۰) نیز کتاب هایی در تفسیر داشته‌اند که باید برگرفته از روایات تفسیری امام باقر علیه السلام باشد.

۲-۱۰-۳. میراث حدیثی امام باقر علیه السلام در زمینه اعتقادات

در دهه های نخستین اسلام مباحث اعتقادی چندان در میان توده مردم رواج نداشت، اما در دوران امام باقر علیه السلام، با رواج مباحث کلامی و اعتقادی در میان مردم، پرسش های اصحاب نیز در این زمینه رو به فروتنی نهاد و چنین شد که بخشی از میراث حدیثی امام باقر علیه السلام را مباحث اعتقادی تشکیل داد؛ چنان که کمتر صفحه‌ای از صفحات کتاب التوحید/اصول کافی را می‌توان مشاهده کرد که روایتی از امام باقر علیه السلام یا فرزند وی در آن نباشد؛ برای مثال زراره می‌گوید:

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: «آیا زمانی بوده که خدا باشد، ولی چیزی نبوده باشد؟» امام فرمود: «آری. خدا بوده و چیزی نبوده است.» پرسیدم: «پس خدا کجا بوده است؟» امام باقر علیه السلام که به پشتی خویش تکیه داده بودند، راست نشستند و فرمودند: «ای زراره، سخن محالی گفتی؛ چرا که از مکان لامکان

پرسیدی).» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۹۰؛ مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۵۴، ص ۱۶۰) از دیگر مسائل اعتقادی مورد بحث در این دوره مسئله صفات خداست. امام علی^ع، در این زمینه، با نفی گرایش‌های افراطی تعطیل و تشییه، بر تنزیه ذات باری از هرگونه کیفیت و ویژگی‌های جسمانی تأکید و ازلی بون صفات ذات، همانند علم، را تبیین کرده است. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۰۷)

۳-۱۰-۳. میراث حدیثی امام باقر علی^ع در زمینه فقه و احکام شرعی

بیشترین احادیث نقل شده از امام باقر علی^ع در موضوع فقه است. از آنجا که احکام فقهی از مسائل مورد ابتلا و روزمره مسلمانان و شیعیان بود، فهم آن احکام یکی از دغدغه‌های اصلی مردم عادی و فقیهان فرهیخته گردید. علاوه بر این، تغییرات و تحولات پدیدآمده پس از رحلت پیامبر ﷺ موجب دوگانگی فرهنگ فقهی شیعه و اهل سنت شد و این دوگانگی باعث کثرت سؤال در این موضوعات گردید. گذشته از این‌ها، تدوین احادیث فقهی و نقل آن از طرق صحیح و قابل اعتماد به امری رایج نزد اصحاب امام در این دوران تبدیل شد و این امر موجب شد که مجموعه عظیمی از این احادیث به نسل‌های آینده انتقال یابد. با مراجعت به کتاب وسائل الشیعه، که تنها به بیان احادیث فقهی پرداخته است، روایات نسبتاً فراوان امام باقر علی^ع در فقه را می‌توان ملاحظه کرد. روایات نقل شده از ایشان از جهت کثرت، پس از روایات امام صادق علی^ع، در ردۀ دوم قرار دارد که متون برخی از این احادیث با سلسله‌سنند امامان معصوم به پیامبر ﷺ می‌رسد.

۴-۱۰-۳. میراث حدیثی امام باقر علی^ع در زمینه اصول استنباط

آموزش اصول، قواعد کلی اجتهاد و استنباط، روش اجتهاد و پرورش شاگردان فقیه از دیگر فعالیت‌های امام باقر علی^ع است. بی‌شک پرورش این شاگردان و ورزیده ساختن آنان، نیازمند تبیین قواعد این دانش است. فرمان امام باقر علی^ع به ابان بن

تغلب مبني بر نشستن در مسجد و افتاء برای مردم هم نمایان گر به بار نشستن اين تلاش هاست. (نجاشی، ۱۴۱۵: ص ۷۳) بر اين اساس می توان بخشی از قواعد علم اصول استنباط را در احادیث امام باقر علیه السلام ردیابی کرد. برای نمونه قاعدة فراغ از امام

باقر علیه السلام نقل شده است:

«كَلَّ مَا شَكِّكَ فِيهِ مَمَّا قَدْ مَضَى فَامْضِهِ كَمَا هُوٌ؛ هُرْكَاهُ در چيزی که محل و زمان آن گذشته است شک کردي، بنا را بر آنچه باید باشد، بگذار». (حر عاملی، ۱۴۱۴: ح ۲۳۸، ۸)

قاعدة لاضرر نيز توسط امام باقر علیه السلام از پیامبر ﷺ نقل شده است. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ح ۱۸، ص ۳۲) مبانی و معیارهایی مثل اشتهر حديث در میان اصحاب، استناد به قول اعدل و اوشق، مخالفت حديث با مذهب عامه، عمل به احتیاط و ... هم که در علاج اخبار متعارض از آنها استفاده می شود، توسط امام باقر علیه السلام تبیین شده است. (مجلسی، ۱۹۸۳: ح ۲، ص ۲۴۵؛ عطاردی، ۱۳۸۱: ح ۱، ص ۱۷۰) علاوه بر اين، امام با قیاس و رأی در حوزه احکام فقه مخالفت کرده و در جای جای سخنان خود اين امر را مورد نکوهش قرار داده اند. به باور امام هر کس به رأی خود افتاء کند، حلال خدا را حرام و حرام او را حلال می گردداند. (کلینی، ۱۳۶۳: ح ۱، ص ۵۸) امام در بیانی در نکوهش قیاس فرموده اند:

«إِنَّ السُّنَّةَ لَا تُقَاسُ وَ كَيْفَ تُقَاسُ السُّنَّةُ وَ الْحَاضِرُ تَقْضِي الصَّيَامَ وَ لَا تَقْضِي الصَّلوَةُ؟»

(مجلسی، ۱۹۸۳: ح ۲، ص ۳۰۸) در سنت قیاس نمی شود؛ چگونه در سنت قیاس شود،

در حالی که زن حائض روزه اش را قضا می کند، اما نماز را قضا نمی کند؟

ایشان شاگردانشان را از پیروی از رأی و نظر شخصی بدون مستند شرعی باز

می داشتند:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ: يَرُدُّ عَلَيْنَا أَشْياءً لَا يَحْدُهَا فِي الْكِتَابِ وَ السُّنَّةَ فَيَقُولُ فِيهَا بِرَأْيِنَا؟ فَقَالَ: أَمَا إِنْكَ إِنْ أَصْبَتَ لَمْ تُؤْخِرْ وَ إِنْ أَخْطَأْتَ كَذِبَتَ عَلَى اللَّهِ (برقی، ۱۳۳۰: ح ۱، ح ۲۱۳)

^{۱۰-۵} میراث حدیثی امام باقر علیه السلام در زمینه اخلاق

مسائل اعتقادی و فقهی و کثرت پرسش و پاسخ در این زمینه‌ها، امام را از پرداختن به مسائل اخلاقی و اصلاح نفوس یاران بازنمی‌داشت. ایشان، در فرصت‌های مختلف، به بیان مسائل اخلاقی و تبیین ویژگی‌های مؤمنان واقعی می‌پرداختند تا از این رهگذر، به اصلاح نفوس یاران خویش همت گمارند. معرفی ویژگی‌های شیعیان واقعی (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۷۶)، برادری مؤمنان (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۶۶)، امانت‌داری (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲ ص ۱۶۲)، نیکوکاری (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۷۵، ص ۱۷۵)، توبه (کلینی، ط ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۴۴۰)، حقوق همسایه (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۴۴۸)، صله رحم (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۱۰۵۵)، زهد (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۱۱۷۰) و... از موضوعاتی است که روایات بسیاری از آن امام درباره آن‌ها گزارش شده است.

^۳-۱۰. میراث حدیثی امام باقر علیه السلام در زمینه تاریخ و سیره

دوران امامت امام باقر علیه السلام مصادف با آغاز تاریخ‌نگاری اسلامی است. در این دوران گروهی از محققان به جمع‌آوری گزارش‌های تاریخی از صدر اسلام تا آن زمان پرداخته و آنها را مدون می‌کردند. شخصیت علمی امام باقر علیه السلام و مرجعیت ایشان، باعث شد که بسیاری از تاریخ‌نویسان به ایشان مراجعه و برخی از حوادث تاریخی را بر پایه روایت‌های ایشان تنظیم و گزارش کنند؛ برای مثال با توجه به اینکه امام باقر علیه السلام در جریان حادثه عاشورا چهارساله بودند و در آن ماجرا حضور داشتند، گزارش‌های مختلفی را از حوادث آن روز بیان نموده‌اند؛ چنان‌که طبری، چگونگی شهادت امام حسین علیه السلام و فرزند شیرخوار ایشان را به طور کامل از امام باقر علیه السلام نقل کرده است. (طبری، ۱۹۸۳: ج ۴، ص ۳۴۲؛ ابومخنف، بی‌تا: ص ۱۷۲) علاوه بر این، ماجراهایی مثل قیام مختار (ابومخفف، بی‌تا: ص ۳۷۵)، ماجراهی حکمیت (منقري، ۱۳۸۲: ص ۵۰۰)، ماجراهای جنگ جمل (مفید، بی‌تا: ص ۱۵۸) و... از مهم‌ترین مطالب تاریخی هستند که

نتیجه‌گیری

توسط امام باقر گزارش شده است. سیره امامان پیشین نیز از جمله موضوعات مورد علاقه امام باقر علیهم السلام بود که کم و بیش بدان پرداخته‌اند. (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵ ص ۱۵۱)

در جمع‌بندی آنچه گفته آمد، مطالب زیر را به عنوان رهاورد پژوهش تقدیم می‌دارد:

۱. امام باقر علیهم السلام تأثیری شگرف بر فرهنگ حدیثی شیعه دارد که این تأثیرات در اموری چون کثرت شاگردان ایشان و احادیث منقول از آن حضرت، فراوانی کتب تألیف شده در دوره امامت ایشان و دوره‌های پسین، گرایش اصحاب به پرسشگری، ارتقای علمی اصحاب و افزایش مراجعه مردم به اهل‌بیت نمود یافته است.
۲. امام باقر علیهم السلام با اقداماتی چون نشر حدیث در مجالس عمومی و خصوصی، ترویج عرضه حدیث، ترغیب مردم به حدیث‌پژوهی، تربیت شاگردانی مثل طبقه اول اصحاب اجماع، تأثیرگذاری بر محدثان اهل‌سنّت و معرفی غالیان و منحرفان به جامعه علمی آن روز تأثیرگذاری در رشد و ارتقای حدیث و دانش‌های مرتبط با آن داشتند؛ به گونه‌ای که نتایج تلاش‌های ایشان را در دوره‌های امامان بعدی می‌توان مشاهده کرد.
۳. ایشان با طرح و تبیین مباحثی چون حجیت کلام اهل‌بیت، لزوم دقت در سمع، پرهیز از اعتماد به روایت ضعیف، لزوم اخذ حدیث از راویان موثق، ابداع مشیخه‌نویسی، بیان اصول نقد متن حدیث، پرهیز دادن محدثان از انکار شتاب‌زده حدیث و نیز طرح مسئله وجود احادیث جعلی در میان میراث روایی موجود، در ارتقای دانش حدیث و تحکیم مبانی آن، گامی بلند برداشتند.
۴. امام باقر علیهم السلام میراث حدیثی منحصر به فردی را در همه موضوعات علوم اسلامی

از تفسیر، اعتقادات، فقه و اصول استنباط گرفته تا اخلاق، تاریخ و سیره برای نسل‌های بعدی شیعیان از خود بر جای گذاشتند که این میراث، در کنار میراث حدیثی فرزندشان امام صادق علیه السلام، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین منبع معرفتی شیعه به شمار می‌رود.

۱۶۷

كتابنامه

قرآن کریم:

۱. آقاپرگ طهرانی، محمدمحسن، (۱۹۸۳م)، *النریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالاصوات، چاپ سوم.
۲. ابن اثیر، علی بن ابیالکرم، (۱۹۶۶م)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.
۳. ابن شهرآشوب، محمد بن علی، (۱۹۵۶م)، *مناقب آل ابیطالب*، نجف: حیدریه.
۴. ابن الندیم، محمد بن ابیی‌یعقوب، (بی‌تا)، *الفهرست*، تصحیح: رضا تجدد، بی‌جا، بی‌نا.
۵. ابویره، محمود، (بی‌تا)، *اصوات علی السننه المحمديه*، بی‌جا، بی‌نا.
۶. ابومخنف ازدی، لوط بن یحیی، (بی‌تا)، *مقتل الحسین*، تصحیح: حسین غفاری، قم: بی‌نا.
۷. امین، محسن، (بی‌تا)، *أعيان الشیعه*، تصحیح: حسن امین، بیروت: دارالتعارف.
۸. امینی، نوروز، (۱۳۸۷ش)، «روایات اهل‌بیت در منابع اهل‌سنت»، *فصلنامه علوم حدیث*، شماره ۴۷، ص ۱۸۴-۱۴۶.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۹۸۱م)، *الجامع الصحيح*، بیروت: دارالفکر.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۳۰ق)، *المحاسن*، تصحیح: جلال‌الدین حسینی، تهران: دارالكتب الاسلامیه.
۱۱. بغدادی، اسماعیل پاشا، (بی‌تا-الف)، *یضاح المکنون*، تصحیح: محمد شرف‌الدین، بیروت: داراحیاء التراث العربي.
۱۲. ——————، (بی‌تا-ب)، *هادیه العارفین*، بیروت: داراحیاء التراث العربي.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه*، قم: آل‌البیت، چاپ دوم.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۷ق)، *خلافه الاقوال*، تصحیح: جواد قیومی، قم: نشر الفقاہه.
۱۵. حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، *قرب الانسان*، تصحیح: مؤسسه آل‌البیت، قم: مؤسسه آل‌البیت.

١٦. خطيب بغدادي، احمد بن على، (١٩٧٤م)، *تيسير العلم*، تصحیح: یوسف العش، بی جا: دار احیاء السنّه النبویه.
١٧. خوبی، ابوالقاسم، (١٤١٣ق)، *معجم رجال الحديث*، بی جا، بی نا، چاپ پنجم.
١٨. دارمي، عبدالله بن بهرام، (١٣٤٩ق)؛ *سنن الدارمي*، دمشق: اعتدال.
١٩. صدوق، محمد بن على بن بابويه، (١٩٦٦م)، *علل الشرایع*، نجف: حیدریه.
٢٠. ———، (١٣٣٨ش)، *معانی الاخبار*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامیه.
٢١. ———، (١٣٦٢ش)، *الخصال*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
٢٢. صفار، محمد بن حسن، (١٣٦٢ش)، *بصائر الدرجات*، تصحیح: حسن کوچه باغی، تهران: اعلمی.
٢٣. طبری، محمد بن جریر، (١٩٨٣م)، *تاریخ الطبری*، بیروت: اعلمی، چاپ چهارم.
٢٤. طوسي، محمد بن حسن، (١٤٠٤ق)، *اختیار معرفه الرجال* (رجال الكشی)، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم: آل البیت.
٢٥. ———، (١٣٦٣ش)، *الاستبصار*، تصحیح: حسن موسوی، تهران: دارالكتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
٢٦. ———، (١٣٦٤ش)، *تهذیب الاحکام*، تصحیح: حسن موسوی، تهران: دارالكتب الاسلامیه، چاپ سوم.
٢٧. ———، (١٤١٥ق)، *رجال*، تصحیح: جواد قیومی، قم: انتشارات اسلامی.
٢٨. ———، (١٤١٧ق)، *الفهرست*، تصحیح: جواد قیومی، قم: نشر الفقاھه.
٢٩. عینی، محمود بن احمد، (بی تا)، *عمدة القاری*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
٣٠. عطاردی، عزیزالله، (١٣٨١ش)، *مسند الامام الباقر*، مشهد: عطارد.
٣١. غروی نائینی، نهلہ، (١٣٨٥ش)، *(امام باقر (علیه السلام) و حفظ و صیانت حدیث)*، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال سوم، شماره اول، ص ٥٣-٨٢.
٣٢. قمی، عباس، (١٣٨٨ش)، *منتسبی الآمال*، تهران: میلاند، چاپ پنجم.
٣٤. کلینی، محمد بن یعقوب، (١٣٦٣ش)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالكتب الاسلامیه، چاپ پنجم.
٣٥. مبارکفوری، محمد عبدالرحمن، (١٩٩٠م)، *تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی*، بیروت: دارالكتب العلمیه.

٣٦. مجلسی، محمد باقر، (۱۹۸۳م)، بحار الانوار، بیروت: الوفاء، چاپ دوم.
٣٧. محمدی ری شهری، محمد، (۱۴۱ق)، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.
٣٨. مدیرشانه‌چی، محمد کاظم، (۱۳۷۲ش-الف)، درایه‌الحدیث، قم، انتشارات اسلامی.
٣٩. ———، (۱۳۷۲ش-ب)، علم‌الحدیث، قم: انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
٤٠. مزی، یوسف، (۱۹۸۵م)، تهذیب‌الکمال، تصحیح: بشار عواد معروف، بیروت، بی‌نا، چاپ چهارم.
٤١. مسعودی، عبدالهادی، (۱۳۷۶ش)، «عرضه حدیث بر امامان (بخش اول)»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۶، ص ۵۷-۲۹.
٤٢. ———، (۱۳۷۷ش)، «عرضه حدیث بر امامان (بخش دوم)»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۹، ص ۱۶۹-۱۲۰.
٤٣. معارف، مجید، (۱۳۷۴ش)، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران: ضریح.
٤٤. همو، (۱۳۸۱ش)، تاریخ عمومی حدیث، تهران: کویر، چاپ دوم.
٤٥. معرفت، محمد‌هادی، (۱۳۸۰ش)، تفسیر و مفسران، قم: التمهید.
٤٦. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تصحیح: مؤسسه آل‌البیت، بیروت: دارالمفید، چاپ دوم.
٤٧. ———، (بی‌تا)، الجمل، قم: مکتبه الداوری.
٤٨. منقري، نصر بن مزاحم، (۱۳۸۲ق)، وقوعه صفين، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قاهره، مؤسسه العربية الحدیثیة، چاپ دوم.
٤٩. موحد ابطحی، محمد علی، (بی‌تا)، تاریخ آل زرارة، بی‌جا، بی‌نا.
٥٠. نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۱۵ق)، رجال النجاشی، قم: انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
٥١. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، (بی‌تا)، تاریخ العیقوبی، بیروت: دارصادر.